**سخنور و سخنوری**

**حکیمی، محمود**

خداوند انسان را آفرید و به او بیان آموخت‏ تا از محنت سکوت و تنهائی برهاندش. کتب آسمانی‏ سخنور کسی است که،ساده،روان و گیرا سخن بگوید.موفقیت هر فرد بسته به تأثیر شخصیت او بر دیگران است و شاخص این شخصیت بیان خوب و قوه نطق و سخنوریست.در همان اولین برخورد اگر زبانی گویا و بیانی رسا داشته باشیم بدان شخصیت می‏افزائیم و چنانچه‏ گفتاری ضعیف و لسانی ناتوان،از آن شخصیت می‏کاهیم.بنابرین شخصیت و قدرت بیان،دو اصل مرتبط به یکدیگر و دو عامل مؤثر پیشرفت در زندگیست.بزرگان از میان کسانی برخاسته‏اند که نطق قوی داشته و از این راه توانسته‏اند در دل دیگران رخنه کنند.سخنوری امری نیست‏ که با علم کلاس و مطالعه بتوان آموخت بلکه کاریست که با عمل و تکرار و اصرار باید فرا گرفت.

هیچگاه در آغاز سخن‏رانی زبان به پوزش نگشائید؛سخنور باید سخن را با کلامی موزون‏ و محکم آغاز نماید؛بیان جملاتی در شروع سخن از قبیل:«عذر میخواهم از این‏که چند دقیقه‏ای وقت حضار را می‏گیرم»یا مثلا«مجال کافی برای تهیه این سخن‏رانی نداشتم»جز اینکه از ارزش سخن بکاهد و شنونده را از همان آغاز وازده نماید،ثمرهء دیگری نخواهد داشت.سخن‏رانی متضمن نکاتی مفید و آموزنده باشد و این اصل را باید قبلا با انتخاب‏ موضوعی که این نیاز را برآورد در خاطر داشت و از تکرار جملات ممل و الفاظ مخل که روح‏ شنونده را کسل سازد دوری باید جست.آرامش ظاهری،ممانعت و اصالت حرکات سخنور، در تأثیر سخنش بسیار خیل است.سخنور شایسته کسی است که بیانش صریح و علم و ایمانش به سخنی‏ که میگوید در حالاتش منعکس باشد.

برای ایراد سخن‏رانی منابع گوناگونی موجود است و از مجموعهء موضوعهای مختلف‏ که در اطراف و در اطراف و در دسترس ما است میتوان مطابق ذوق خود موضوعی را برای سخن‏رانی‏ انتخاب نمود.اصولا سخن‏ران ورزیده کسی است که اهل مطالعه باشد-رغبت مطالعه را باید در اشخاص بیدار نمود-چون مطالعهء وسیع،منبع اطلاعات را غنی و شخص را راغب به سخن‏ گفتن میسازد.سخنور بهنگام انتخاب موضوع اصول چهارگانه زیر را:

چه بگویم-چگونه بگویم-چرا بگویم-چه وقت بگویم.

باید در سخن‏رانی در نظر گیرد و بر این چهارپایه سخنرانی را استوار سازد و پس آن را به معجون‏ عشق و علاقه و ظرافت و لطافت بیامیزد تا از بیان خود نتیجه مطلوب گرفته اثر آن را آشکارا در چشم شنونده مشاهده کند.سخنور با قریحه،شیوا و رسا سخن میگوید و از آنجا که آدمی ساخته‏ و پرداختهء عواطف و احساسات است،با رعایت این جنبه و حس زیبائی شنونده نیز،در عین قوت و رسائی و توجه و اصوات کلمات،هر لفظ را بدرستی تلفظ و جملات را پرطنین و خوش آهنگ‏ ادا می‏نماید.

خوش پوشی و آراستگی و علاقه و توجه به ظاهر خود،مستمع را برای استماع سخن‏رانی‏ برغبت می‏آورد و سخن زمانی اثر مطلوب در شنونده می‏بخشد که شنونده آشنائی و اطلاع گوینده‏ را به اصول فن سخنوری حس کند.چه نیکوتر که خود سخنور مقام سخنوری را محترم شمارد و بهنگام نطق در حالیکه بیانش صمیمانه و لحنش ملایم و دوستانه است،با فروتنی و خوش روئی‏ علاقه و احترام خود را به شنونده ظاهر سازد و حس اعتماد و اطمینان مستمع را از این راه جلب‏ نموده،کلامش را مؤثرتر در دل شنوندگان بنشاند.یک سخنور خوب و با ذوق بایستی روح و اندیشه شنونده را زیر سلطه و نفوذ خود بگیرد.

حال یادآوری این نکته نیز لازم است که تا سخنور به حس انتقاد از خود آراسته نگردد، سخنش به کمال نگراید و سخنوری توانا نشود؛زیرا هر سخنور خوب در آغاز شنونده‏ای خوب‏ بوده است.برای توجه علاقه‏مندان،اصول فن سخنوری را در جملاتی کوتاه به ترتیب زیر بیان میکند:

با سیمائی گشاده و متبسم با شنوندگان روبرو شوید.

به سخن‏رانی و میز خطا به اهمیت و احترام قائل شوید.

در انتخاب موضوع رعایت مقام و مکان و زمان بنمائید و نیز عقیده حاضران را ارج گزارید.

ترتیب فصول و نظم گفتار را در سخن‏رانی بخاطر بسپرید.

به اصل مطلب بپردازید،در گفتار خود صریح باشیدو به مغالطه‏نپردازید.

سخن را موجز و مؤثر بیان کنید؛حوصله حضار و وقت را از یاد نبرید.

زیر و بم صدا و آهنگ کلام را در نظر داشته،سخن را بیجان و یکنواخت ادا نکنید.

نطق را با لطائف و ظرائف بیامیزید و به چاشنی شعر و داستان دلچسب سازید.

سخن را روان و طبیعی بیان کنید و به گرمی و یکرنگی درآمیزید.

ایمان خور دا به حقیقت و واقعیت گفتارتان عیان سازید.

با وقف و سکوتهای بموقع،حالت انتظار و توجه در شنوندگان ایجاد نمائید.

بیان خود را با استفاده از الفاظ و لغات گونه گون و فراوان غنی‏تر سازید.

حس دوستی و احترام خود را به شنونده با نگاه مستقیم و آشنا به او آشکار سازید و این‏ حالت را تا بأخر حفظ نمائید.

و بالاخره در پایان کار بخاطر بسپریم که هدف از سخن‏رانی،قدرت بیان و توصیف مطلبی‏ است که اثر آن را باید در پاسخ از قضاوت شنونده انتظار داشت.